الزامات رسیدن به بازدارندگی مطلق



علی‌حسن حیدری
کارشناس سیاسی

تجربه دو جنگ اخیر علیه ایران اسلامی، این پرسش اساسی را پیش روی ما قرار داده است که آیا بازدارندگی متعارف به‌تنهایی می‌تواند مانع تجاوز دشمن شود؛ به‌ویژه هنگامی که دشمن، فراتر از اهداف محدود نظامی، به دنبال تضعیف استقلال، فرسایش قدرت ملی و تحمیل اراده سیاسی بر ما است؟ تأمل در این پرسش‌ها، ضرورت بازنگری در مفهوم و الزامات بازدارندگی و ارتقای آن از رتبه «بازدارندگی متعارف» به «بازدارندگی مطلق» را بیش از گذشته آشکار می‌کند.

محدودیت بازدارندگی متعارف در این است که بر تغییر محاسبات هزینه و فایده دشمن استوار است. در این الگو، کشور با برخورداری از توان دفاعی و قابلیت پاسخ‌گویی، دشمن را متقاعد می‌کند که آغاز حمله، خسارت‌ها و هزینه‌هایی به دنبال خواهد داشت؛ که با منافع آن تناسب ندارد. با این حال، این سطح از بازدارندگی لزوماً مانع هرگونه تجاوز نمی‌شود و دشمن تصور می‌کند از طریق حمله محدود، تشدید در گیری یا ترکیب فشار نظامی و غیرنظامی، همچنان قادر به دستیابی به اهداف راهبردی در ایران است.

از سویی واقعیت این است که بازدارندگی صرفاً به معنای برخورداری از قدرت نظامی نیست، بلکه مهم‌تر از آن، تأثیر این قدرت بر محاسبات دشمن و جلوگیری از شکل‌گیری اراده تجاوز است. اگر توانمندی‌های موشکی و منطقه‌ای ایران از بازدارندگی کافی برخوردار بودند، انتظار می‌رفت تجربه جنگ نخست و هزینه‌های ناشی از آن، مانع تکرار تجاوز نظامی مجدد شود. این مسئله به معنای ناکارآمدی مطلق بازدارندگی متعارف نیست، بلکه ضرورت عبور از محدود کردن مفهوم بازدارندگی به مؤلفه‌های نظامی و بازتعریف آن متناسب با ماهیت و سطح تهدیدات جدید را نشان می‌دهد. در همین نقطه، ضرورت طرح مفهوم «بازدارندگی مطلق» معنا پیدا می‌کند. این مفهوم ناظر بر وضعیتی است که در آن، دشمن نه‌تنها آغاز تجاوز را پرهزینه، بلکه دستیابی به اهداف راهبردی خود از طریق جنگ و فشار همه‌جانبه را نیز نامطمئن و غیرقابل تحقق ارزیابی کند. البته باید توجه داشت که «بازدارندگی مطلق» جایگزین قدرت دفاعی متعارف نیست، بلکه سطحی فراتر از آن است که بر مجموعه ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی، فناورانه، سیاسی و اجتماعی تکیه دارد. در همین چارچوب، طرح این مفهوم از سوی مقام معظم رهبری را باید نشانه ضرورت ارتقای سطح بازدارندگی کشور دانست، ضرورتی که تحقق آن مستلزم چند اقدام راهبردی متناسب با ماهیت جنگ ترکیبی فناورپایه در آینده است. نخستین الزام، برخورداری از قدرت دفاعی متناسب با ماهیت و گستره تهدیدهاست. تحولات نظامی و فناورانه نشان می‌دهد که منازعات دیگر به میدان‌های سنتی محدود نیستند؛ و حوزه‌هایی مانند فضای سایبری، امنیت اطلاعات و زیرساخت‌های حیاتی نیز در معادلات امنیت ملی نقش تعیین‌کننده دارند. بنابراین، توان دفاعی باید به‌گونه‌ای توسعه یابد که علاوه بر امکان مقابله با حمله، احتمال دستیابی دشمن به اهداف راهبردی را کاهش دهد و در عین حال هزینه و پیامدهای تجاوز را فراتر از دستاوردهای آن القا کند.

با این حال، قدرت دفاعی بدون پشتوانه اقتصادی، علمی و فناورانه نمی‌تواند بازدارندگی پایدار ایجاد کند. از این رو، برخورداری از اقتصادی قدرتمند، مستقل و تاب‌آور، از الزامات اساسی این منظومه دفاعی است. وابستگی گسترده در تأمین نیازهای اساسی، منابع مالی و زنجیره تولید، آسیب‌پذیری کشور را در برابر فشارهای خارجی افزایش می‌دهد. تقویت تولید ملی، کاهش وابستگی‌های راهبردی به خارج، تأمین امنیت غذایی، انرژی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی باید در همین چارچوب طراحی، تأمین و دنبال شوند. همچنین به موازات آن، استقلال علمی و فناورانه، سرمایه‌گذاری در دانش و نوآوری و تربیت نیروی متخصص، امکان تأمین نیازهای حساس و کاهش وابستگی در حوزه‌های راهبردی را فراهم خواهد کرد و به کامل شدن شبکه قدرت بازدارندگی کمک می‌کند. البته، قدرت نظامی، اقتصادی و فناورانه، بدون انسجام اجتماعی و سرمایه عمومی به اقتدار پایدار تبدیل نمی‌شود. اعتماد عمومی، همبستگی ملی و همراهی جامعه با اولویت‌های اساسی کشور، از مؤلفه‌هایی است که در محاسبات دشمن برای ارزیابی میزان آسیب‌پذیری ما اهمیت دارد. از این جهت، انسجام اجتماعی را باید به عنوان یکی از پایه‌های اصلی امنیت و بازدارندگی ملی مدنظر داشت و در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در کنار مؤلفه‌های نظامی و اقتصادی، جزو اضلاع اصلی منظومه بازدارندگی مطلق منظور گردد نه در جایگاه موضوعی حاشیه‌ای. بر همین اساس، در رسیدن به بازدارندگی مطلق، حکمرانی کارآمد و توان مدیریت بحران نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ارتقای کارآمدی حکمرانی و توان مدیریت بحران نیز از الزامات اساسی بازدارندگی مطلق به شمار می‌رود. بر اساس اجماع کارشناسان دفاعی و امنیتی، برخورداری از منابع و ظرفیت‌های فراوان، بدون مدیریت منسجم و تصمیم‌گیری به‌موقع، لزوماً به اقتدار ملی منجر نمی‌شود. هماهنگی میان نهادهای مسئول، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، مقابله با فساد، استمرار خدمات عمومی و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، توان کشور را برای عبور از بحران‌ها افزایش می‌دهد؛ و مکمل قدرت دفاعی و اقتصادی در بازدارندگی حداکثری است. در بعد سیاست خارجی نیز، دیپلماسی فعال مقتدرانه، حلقه مکمل منظومه بازدارندگی پایدار به شمار می‌رود. بازدارندگی مطلق به معنای انزوای سیاسی یا اتکای صرف به ابزارهای نظامی نیست. گسترش مناسبات با همسایگان، توسعه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی، کاهش تنش‌های غیرضروری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و بین‌المللی می‌تواند هزینه شکل‌گیری ائتلاف‌های خصمانه را افزایش دهد؛ و زمینه‌های تهدید، تعرض و تجاوز را محدود نماید. همچنین با انتقال روشن و معتبر مواضع کشور، ضمن جلوگیری از محاسبات اشتباه، ظرفیت‌های دفاعی و اقتصادی را به نفوذ و اعتبار سیاسی تبدیل می‌کند.

در نهایت، تقویت تاب‌آوری ملی و توان بازیابی پس از بحران، از دیگر الزامات بازدارندگی مطلق است. بازدارندگی معتبر تنها به جلوگیری از حمله وابسته نیست؛ بلکه باید این اطمینان را ایجاد کند که حتی در صورت وقوع تجاوز، امکان فلج کردن کشور و دستیابی به اهداف راهبردی از طریق فرسایش و ایجاد اختلال وجود نخواهد داشت. بر این اساس، بازدارندگی مطلق مستلزم شکل‌گیری منظومه‌ای هماهنگ از قدرت دفاعی، اقتصادی، علمی و فناورانه، انسجام اجتماعی، حکمرانی کارآمد، دیپلماسی فعال و تاب‌آوری ملی است؛ منظومه‌ای که در آن، اجزای قدرت ملی یکدیگر را تقویت کنند و قدرت ملی را به عاملی تعیین‌کننده در محاسبات دشمن تبدیل سازند؛ و در نهایت، امکان تحمیل اراده سیاسی و راهبردی دشمن بر کشور را به حداقل برسانند.

خبر آخر

سخنگوی سپاه:

هیچ مینی در تنگه هرمز پاک‌سازی نشده است

تنگه هرمز کاملاً بسته است و وقوع حادثه برای نفتکش‌های متعدد در تنگه هرمز، در روزهای گذشته، اثبات‌کننده کذب ادعای رئیس جمهور امریکاست.

سردار «حسین محبی» سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره ادعای رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر کنترل تنگه هرمز توسط این کشور اظهار داشت: در روزهای اخیر چندین نفتکش دچار حادثه شده‌اند و این خود، دروغ رئیس‌جمهور امریکا را اثبات می‌کند. محبی افزود: باید از رئیس‌جمهور امریکا پرسید که چگونه بر تنگه هرمز مسلط هستید، در حالی که هر روز چند حادثه برای کشتی‌ها در این تنگه رخ می‌دهد؟ وی درباره ادعای دیگر رئیس‌جمهور امریکا و «برد کوپر» فرمانده سنتکام مبنی بر پاک‌سازی مین‌های جنگی در تنگه هرمز، گفت: هیچ‌گونه مین جنگی‌ای در تنگه هرمز پاک‌سازی نشده و این ادعا، دروغ محض است.

گزارش

با حضور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح شهر جدید موشکی سپاه رونمایی شد

شگفتانه‌های هر جنگ آینده

سردار عبداللهی: شگفتانه‌ها در جنگ آینده یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد



روز گذشته و با حضور سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) و سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رونمایی شد.

رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در شرایطی که دونالد ترامپ رئیس جمهور خودشیفته امریکا و دیگر مقام‌های این رژیم تروریستی بارها مدعی نابودی یا تضعیف توان موشکی ایران شده‌اند، حامل پیامی روشن از تداوم قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و بی‌پایه بودن ادعاهای ترامپ از سوی دیگر است. یکی دیگر از مهم‌ترین پیام‌های این رونمایی، استمرار قدرت‌سازی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در شرایطی است که کشور در معرض تهدیدات و فشارهای نظامی قرار داشته‌است. شهر موشکی جدید، نمادی از این واقعیت است که توان دفاعی کشور صرفاً به موجودی تسلیحات و تجهیزات در یک مقطع زمانی محدود نمی‌شود، بلکه بر شبکه‌ای از زیرساخت‌ها، ظرفیت‌های پشتیبانی، تولید، توسعه و آمادگی عملیاتی استوار است. این موضوع پیش از این نیز از سوی سخنگوی سپاه پاسداران مورد تأکید قرار گرفته بود، جایی که سردار محبی بر تداوم فعالیت‌های دفاعی و موشکی کشور حتی در شرایط جنگی اشاره کرده بود. بر این اساس، جنگ و فشار نظامی نه‌تنها نتوانسته روند قدرت‌سازی دفاعی ایران را متوقف کند، بلکه ضرورت تقویت ظرفیت‌های بازدارنده را بیش از گذشته آشکار ساخته است. با این توصیف، رونمایی اخیر را می‌توان نشانه‌ای از تداوم یک راهبرد دانست؛ راهبردی که بر حفظ توان موجود، بازسازی و ارتقای ظرفیت‌ها و آماده‌سازی امکانات جدید برای مواجهه با تهدیدات احتمالی تکیه دارد. به بیان دیگر، محاسبات دشمنان بر این فرض استوار بود که حملات نظامی می‌تواند توان دفاعی ایران را فرسوده و امکان بازسازی و ادامه فعالیت‌های موشکی را از کشور سلب کند، اما پیام رونمایی جدید آن است که قدرت دفاعی جمهوری اسلامی به یک مقطع از جنگ محدود نیست و روند توسعه آن ادامه دارد.

■ شگفتانه‌های جنگ آینده در راه است

اظهارات سرلشکر علی عبداللهی در مراسم رونمایی نیز ابعاد دیگری از این پیام راهبردی را آشکار می‌کند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به حجم مهمات و تجهیزات پیشرفته‌ای که امریکا در جنگ اخیر به کار گرفته‌است، تأکید کرد که آنچه پیش از سلاح و تجهیزات موجب ناکامی دشمن شد، اراده رزمندگان ایرانی بود. عبداللهی گفت: بزرگی یا کوچکی دشمن و میزان تجهیزات و امکانات آن، مبنای تصمیم ما نیست. آنچه تاکنون پیروزی ما را رقم زده، همین روحیه بوده‌است؛ نه محاسبات دشمن را می‌پذیریم و نه این محاسبات بر اراده ما تأثیر می‌گذارد. سرلشکر عبداللهی در واکنش به اظهارات اخیر نتانیاهو تصریح کرد: «نتانیاهو اخیراً گفته است «یا ما باید ایران را نابود کنیم یا ایران ما را نابود خواهد کرد». این سخن تازه‌ای نیست؛ روشن است که ما قطعاً آنان را نابود خواهیم کرد. این سخن تازگی ندارد و بی‌تردید ما آنان را نابود خواهیم کرد. آنان پیش‌تر توان خود را آزموده‌اند و با هر آنچه در اختیار داشتند، به میدان آمده‌اند، اما از دستیابی به هدف خود بازمانده‌اند.» سرلشکر عبداللهی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «شگفتانه‌ها در جنگ آینده، یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد.» این جمله را باید یکی از مهم‌ترین بخش‌های پیام مراسم رونمایی دانست. تأکید بر وجود شگفتانه‌های جدید، در کنار نمایش زیرساخت‌های موشکی، نشان می‌دهد که آنچه تاکنون از ظرفیت‌های دفاعی ایران به نمایش درآمده، لزوماً تمام توانمندی‌های موجود نیست. به این ترتیب، دشمن نمی‌تواند صرفاً بر اساس آنچه در جنگ گذشته مشاهده کرده یا برآوردهایی که از توان نظامی ایران در اختیار دارد، درباره ظرفیت پاسخ‌گویی جمهوری اسلامی در درگیری احتمالی آینده تصمیم‌گیری کند.

■ همه ظرفیت‌های دشمن را به آتش می‌کشیم

بخش دیگری از اهمیت این رونمایی، پیام بازدارنده آن برای امریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آنهاست. نمایش زیرساخت‌های جدید موشکی و تأکید فرماندهان بر آمادگی برای مقابله با هرگونه تهدید، در شرایطی انجام می‌شود که مقامات امریکایی و صهیونیستی همچنان از گزینه نظامی علیه ایران سخن می‌گویند. در چنین شرایطی، رونمایی از شهر موشکی جدید را می‌توان پیامی آشکار درباره هزینه‌های هرگونه ماجراجویی نظامی مجدد دانست؛ پیامی که می‌گوید جنگ آینده، در صورت آغاز از سوی دشمن، الزاماً تکرار شرایط و معادلات جنگ‌های تحمیلی گذشته نخواهد بود.

نمای نزدیک

■ شهر موشکی جدید، پیام روشن ایران به دشمنان

رئیس مجلس شورای اسلامی طی پیامی، رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را جلوه‌ای از عزم ملت ایران برای دفاع از استقلال، امنیت و تمامیت ارضی کشور دانست. به گزارش خانه ملت، در بخشی از پیام دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، آمده است: پشت آنچه امروز به نمایش درآمد، سال‌ها تلاش دانشمندان و مهندسان، تدبیر فرماندهان و مجاهدت شبانه‌روزی رزمندگانی قرار دارد که در سخت‌ترین شرایط، کار را بر زمین نگذاشتند و یک پروژه بزرگ و مهم را به نتیجه رساندند. ارزش کار این مجاهدان وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم این مسیر در میانه فشارها، تحریم‌ها و تهدیدهای نظامی و امنیتی و زیر آتش جنگ طی شده است. آنها نشان دادند که می‌توان در دل محدودیت‌ها و زیر آتش نیز با اتکا به توان خود، قدرت کشور را در یکی از پیچیده‌ترین فناوری‌ها ارتقا داد. این شهر موشکی بی‌شک بخشی از مسیر ایجاد بازدارندگی پایدار است؛ بازدارندگی‌ای که با آمادگی دفاعی، پیشرفت مستمر و انسجام ملی شکل می‌گیرد و در ذهن دشمن تثبیت می‌شود. پیام این دستاورد بزرگ به دشمنانی که هنوز با تهدید نظامی با ملت ایران سخن می‌گویند، روشن است: در محاسبات خود دچار خطا نشوید و اگر دست از پا خطا کنید، ایران در دفاع سریع و خارج از تصور تردید نمی‌کند و این بار، جغرافیای جنگ را نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تعیین خواهند کرد. قالیباف در پایان تصریح کرده‌است: رونمایی از این توان موشکی در آستانه سالروز شهادت شهید طهرانی‌مقدم و روز هوافضا، بی‌شک دل مردم مقاوم ایران را نیز روشن کرد و بار دیگر ثابت کرد که فرزندان ایران، حتی زیر فشار و تهدید و آتش جنگ، از ارتقای توان دفاعی ایران عزیز غافل نمی‌شوند.

دفاعی

مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران:

تولید موشک از تهیه فرش ایرانی بومی‌تر شده است

تقویت قدرت موشکی و تسلیحاتی ایران به عنوان یکی از ارکان اصلی قدرت بازدارندگی کشور مرهون دوراندیشی و نگاه راهبردی رهبر شهید انقلاب برای ایجاد ظرفیت دفاعی مستقل و اقتدار تسلیحاتی است. بعد از جنگ رمضان، این رویکرد با شتاب بیشتر در چارچوب گفتمان رهبر معظم انقلاب برای ایجاد «ایران هرچه قوی‌تر» برای رسیدن به «بازدارندگی مطلق» دنبال می‌شود.

سردار بلالی، مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران در سخنانی به مناسبت هفته هوافضای سپاه، با بازخوانی تاریخچه بومی‌سازی صنعت موشکی تأکید کرد که ایران پس از جهش در مهندسی معکوس، اکنون مرحله تحول در صنعت موشکی متناسب با نیازهای میدان را به دست متخصصان ایرانی و اتکا به مواد اولیه داخلی پشت سر می‌گذارد. وی برای تشریح این وضعیت ابراز داشت: «اگر دور کشور ما را سیم‌خاردار و دیوار بتنی بکشند، باز هم نمی‌توانند مانع تولید موشک‌های ایرانی شوند؛ زیرا این صنعت به توانمندی‌های بومی متکی است.»

سردار بلالی گفت دشمنان زمانی از نابودی صنعت موشکی ایران سخن می‌گفتند و اکنون پس از جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم القا می‌کنند ذخایر موشکی کشور تمام شده است. او تأکید کرد صنعت موشکی ایران به بلوغ و خودکفایی رسیده و تداوم تولید آن به امکانات و ظرفیت‌های داخلی متکی است. وی در ادامه تصریح کرد: «ساخت و تولید موشک در جمهوری اسلامی ایران از ساخت و تهیه فرش ایرانی نیز بومی‌تر است.» مشاور فرمانده هوافضای سپاه با تأکید بر خودکفایی دانش متخصصان داخلی گفت مواد اولیه سوخت جامد و مایع با ظرفیت داخلی تأمین و فرآوری می‌شود و منابع معدنی و مشتقات نفتی، استقلال در این بخش را فراهم کرده است.

■ از وابستگی تا استقلال کامل

سردار بلالی، تاریخچه شکل‌گیری توان موشکی را از دوران دفاع‌مقدس دانست و گفت: «استمرار حملات رژیم بعث و نیاز به بازدارندگی، تسلیحات موشکی را ضروری کرد. شهید تهرانی‌مقدم مأمور تشکیل یگان موشکی سپاه شد و این آغاز شکل‌گیری یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت دفاعی ایران بود.» بر اساس اظهارات او، مهندسان ایرانی با مهندسی معکوس دو موشک دریافتی از لیبی و رفع اختلال پس از قطع همکاری، دانش تولید داخلی را کسب کردند. سرانجام در ۲۱ دی ۱۳۶۵ نخستین موشک ساخت شوروی دریافتی از لیبی به‌صورت مستقل پرتاب شد و استقلال عملیاتی توان موشکی تثبیت گردید. به گفته وی، همکاری با کره شمالی و برخی کشورها زمینه انتقال دانش را فراهم کرد، اما هدف نهایی استقلال کامل در طراحی و تولید موشک بود.

■ روند ار تقای موشک‌ها تا نقطه‌زنی

سردار بلالی با اشاره به نقش سامانه‌های ثبت و ارسال اطلاعات پروازی به ایستگاه‌های زمینی بر دقت اصابت موشک‌ها اظهار داشت که موشک‌ها با خطای حدود ۲۰ کیلومتر با تحقیقات و اصلاح هدایت، به نقطه‌زن تبدیل شدند. وی در ادامه گفت که نمونه اولیه موشک اسکاد شوروی، با برد ۳۰۰ کیلومتر و دقت حدود سه کیلومتر بود و متخصصان ایرانی با بومی‌سازی، برد موشک‌ها را به ۵۰۰، هزار و ۱۵۰ و سپس ۲هزار کیلومتر رساندند. وی خاطرنشان کرد که اکنون توان تولید موشک‌هایی با برد بیشتر نیز فراهم شده است. سردار بلالی با تأکید بر اینکه ارتقای برد موشک‌ها هم‌زمان با افزایش دقت آنها صورت گرفت، افزود: «روند توسعه فناوری‌های بومی موجب شد دقت اصابت موشک‌های نقطه‌زن ایرانی به کمتر از پنج متر برسد.»

■ عبور از مهندسی معکوس

سردار بلالی گفت که تمرکز اولیه صنعت موشکی بر تسلیحات زمین‌به‌زمین برای اهداف ثابت بود، اما با تغییر نیازهای عملیاتی و تنوع تهدیدات، طراحی موشک‌های دارای مأموریت‌های تخصصی در دستور کار قرار گرفت. مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه با اشاره به توسعه موشک‌های ضدکشتی تصریح کرد: «مقابله با شناورهای متحرک و ناوهای دشمن، مستلزم برخورداری از تسلیحاتی بود که علاوه بر دستیابی به برد مناسب، توان شناسایی و هدف قرار دادن اهداف متحرک را نیز داشته باشند.» سردار بلالی در همین زمینه به موشک بالستیک ضدکشتی «خلیج فارس» اشاره کرد و گفت: «این موشک با بهره‌گیری از جست‌وجوگر اپتیکی، برای مقابله با اهداف متحرک دریایی طراحی شده و برد آن ۵۰۰ کیلومتر است.»

■ موشک هرمز علیه سامانه‌های راداری دشمن

مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه با اشاره به توسعه تسلیحات تخصصی در صنعت موشکی کشور بیان کرد: «یکی دیگر از عرصه‌های پیشرفت متخصصان ایرانی، طراحی موشک‌هایی است که با بهره‌گیری از امواج منتشرشده از سامانه‌های راداری، امکان شناسایی و هدف قرار دادن تجهیزات راداری دشمن را فراهم می‌کنند.» وی افزود: «موشک هرمز یکی از نمونه‌های این توانمندی است که با هدف مقابله با سامانه‌های راداری طراحی شده و از قابلیت هدایت به سمت منابع انتشار امواج راداری برخوردار است.» سردار بلالی تأکید کرد که دستیابی به این فناوری‌ها نشان‌دهنده عبور از بازتولید فناوری‌های موجود و رسیدن به توان طراحی و تولید تسلیحات جدید بر اساس نیاز میدان نبرد است. مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه همچنین این تعبیر رهبر انقلاب مبنی بر اینکه «موشک‌ها شناسنامه جوان ایرانی است» را در راستای موفقیت صنعت موشکی یادآور شد.

امنیت ایران از مسیر اعتماد به امریکا نمی‌گذرد



سید عبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

خطرناک‌ترین خطای محاسباتی در برابر امریکا، تبدیل مذاکره به راهبرد تأمین امنیت و دل بستن به امکان تغییر ماهیت دشمن است. تجربه ایران در سال‌های اخیر، به‌ویژه دو جنگ تحمیلی اخیر، بهای سنگین چنین خوش‌بینی را پیش چشم ما گذاشته است. از غافلگیری و شهادت ده‌ها فرمانده عالی‌رتبه نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای تا شهادت رهبر بزرگ انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. این خسارت‌ها را نمی‌توان از حافظه راهبردی کشور حذف کرد و دوباره با همان مفروضات، به مسیر غلط قبلی بازگشت.

سخنگوی دولت در نشست خبری دیروز از امیدواری به «صلح عزتمندانه برای رسیدن به همه آن چیزهایی که حق مردم است» سخن گفته است. تأکید بر عزتمندی، به‌خودی خود محل مناقشه نیست، اما در شرایط کنونی باید قاطعانه و روشن گفت که استقلال، امنیت و منافع ایران از مسیر امید به صلح با شیطان بزرگ امریکا تأمین نمی‌شود. مسئله جلوگیری از بازگشت مجدد یک خیال‌بافی پرهزینه به محاسبات سیاسی کشور است. اینکه اگر زلف تأمین و تحقق حقوق مردم و کشور را به صلح محال با امریکا گره بزنیم و اگر انعطاف بیشتری نشان دهیم یا اگر طرف مذاکره‌کننده در واشینگتن تغییر کند، خصومت امریکا پایان خواهد یافت و به صلح عزتمندانه می‌رسیم!

پیام ۱۳ آبان رهبر معظم انقلاب، دقیقاً همین تصور خسارت‌بار را نشانه گرفته: «اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند یا تصور می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.» این سخن به معنای پرهیز از تکرار مسیری است که در آن، جز تکرار چندباره یک اشتباه و خسارات بیشتر، نتیجه دیگری ندارد.

نخست گذشت زمان، مجوز فراموشی نیست. در ۲۳ خرداد و ۹ اسفند ۱۴۰۴ در دل مذاکرات و در اوج خوش‌بینی و دل بستن به صلح عزتمندانه، حملات امریکا و رژیم صهیونی آغاز شد، که به شهادت رهبر انقلاب و جمعی از فرماندهان و مسئولان نظامی و دانشمندان انجامید. این توالی، دست‌کم یک حقیقت را آشکار می‌کند: امیدواری به صلح با دشمن، نه مانع تجاوز بلکه علت اصلی تجاوز است. علی‌الاصول هیچ سیاستمدار عاقلی امنیت کشور را بر فرضی بنا نمی‌کند که دو جنگ اخیر ثمره این فرض باطل است.

دوم مقاومت، ضرورت راهبردی است. مسئله این نیست که هر تماس یا گفت‌وگویی ذاتاً ممنوع باشد؛ مسئله آن است که مذاکره نباید به راهبرد اصلی تأمین امنیت و بهانه‌ای برای تعلیق یا تضعیف بازدارندگی و دل بستن به توهم صلح عزتمندانه تبدیل شود. تجربه نشان داده که امریکای جنایتکار، از شکاف میان خوش‌بینی سیاسی و واقعیت تهدید، حداکثر بهره‌برداری را کرده است.

سوم باید با روایت‌سازی تطهیرکننده خطاهای گذشته مقابله کرد. جریانی که سال‌ها بر اعتماد به امریکا و گره زدن حل مسائل کشور به توافق با غرب تأکید کرده، نمی‌تواند اکنون بدون پاسخ‌گویی درباره مبانی آن محاسبات، همان نسخه را با واژگانی تازه عرضه کند و در بدنه ملت مبعوث، دوقطبی ایجاد کند که قطعاً خسارات معنوی آن به مراتب بیشتر از خسارات مادی‌اش خواهد بود. نباید اجازه داد تجربه‌های تلخ گذشته، با تغییر نام و صورت‌بندی، بار دیگر به‌عنوان راه نجات فروخته شود.

چهارم قدرت ملی، تنها تکیه‌گاه پایدار امنیت است. «ایران هر چه قوی‌تر» یعنی توان دفاعی و موشکی، پیشرفت علمی و فناوری، اقتصاد تاب‌آور، استقلال تصمیم‌گیری، انسجام اجتماعی و اعتماد مردم. هیچ توافقی جای این مؤلفه‌ها را نمی‌گیرد. بازدارندگی زمانی شکل می‌گیرد که دشمن بداند تعرض به ایران، هزینه‌ای سنگین و غیرقابل تحمل خواهد داشت؛ نه زمانی که تصور کند با چند وعده و عبارت دیپلماتیک می‌تواند اراده کشور را سست و زمینه تجاوز مجدد به کشور را فراهم کند.

پنجم مقاومت بدون پشتوانه مردمی پایدار نمی‌ماند. مسئولان باید با خدمت جهادی، شفافیت، پاسخ‌گویی و صیانت از معیشت مردم، و تکیه به راهکارهای واقعی مبتنی بر ظرفیت‌های موجود کشور، انسجام ملی را تقویت کنند. نمی‌توان از مردم انتظار ایستادگی داشت، اما دشواری‌های زندگی آنان را به سراب صلح عزتمندانه با شیطان ارجاع داد.

پیام ۱۳ آبان، معیار روشنی پیش روی مسئولان و افکار عمومی گذاشته است: امید بستن به تغییر رفتار امریکا با جابه‌جایی احزاب یا امتیازدهی، خطاست؛ راه بازدارندگی، قوی‌تر شدن ایران است. امروز بیش از هر زمان باید مراقب بود که تجربه خونین اعتماد به وعده‌های دشمن، با ادبیات تازه و زیر عنوان صلح، دوباره به کشور تحمیل نشود. امنیت ایران از مسیر توهم اعتماد به امریکا نمی‌گذرد؛ از مسیر قدرت، هوشیاری و مقاومت می‌گذرد. خوش‌بینی به دشمن ممنوع.

گزیده خبر

محسن رضایی:

پاسخ امریکا به شروط ایران فریبکارانه است

دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان ضمن تکذیب ادعای برنامه‌ریزی برای دیدار او با معاون رئیس جمهور امریکا تأکید کرد که پاسخ واشینگتن به شروط تهران فریبکارانه است.

محسن رضایی در گفت‌وگو با شبکه المیادین تأکید کرد که پاسخ امریکا به شروط ایران فریبکارانه است. از امریکایی‌ها خواسته‌ایم پاسخی صریح و روشن به شروط ما ارائه دهند، اما آنها تا امروز چنین پاسخی نداده‌اند و ممکن است در آینده آن را ارائه کنند. رضایی تأکید کرد: ایران شروط هفت‌گانه خود را ارائه کرده و منتظر پاسخ امریکاست، اما پاسخ نخست امریکا برای ما کافی نبود. وی تصریح کرد: تمام ادعاهای امریکایی‌ها درباره ادامه مذاکرات با ایران و برگزاری نشست در قطر، صرفاً دروغ و افتراست. هدف از طرح ادعاهای مربوط به ادامه مذاکرات با ایران، کاهش فشارهای اقتصادی و پایین آوردن قیمت نفت است. رضایی، همچنین در فضای مجازی خطاب به دولت امریکا نوشت: «زمان تسلیم شدن در برابر شرط‌های هفت‌گانه ایران رسیده‌است. جنگ ضد ایران، به‌شدت به دولت امریکا آسیب زده است، اما واشینگتن مانند یک قمارباز ناامید، همچنان تقلا می‌کند.» دبیر شورای عالی امنیت ملی در این پیام تأکید کرد: از تولید خبرهای جعلی درباره مذاکره‌های خیالی دست بردارید. انکار نظم نوین غرب آسیا را متوقف کنید. زمان تسلیم شدن در برابر شرط‌های هفت‌گانه ایران رسیده‌است.

محمدباقر قالیباف هم در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: اسرائیلی‌ها شبانه‌روز در تلاشند امریکا را به جنگی بی‌پایان با ایران بکشانند؛ باتلاقی که هیچ رئیس جمهوری، چه حال و چه در آینده، چه جمهوری‌خواه و چه دموکرات، توان خروج از آن را نداشته باشد. اسرائیلی‌ها می‌خواهند امریکا را در باتلاق جنگی بی‌پایان با ایران گیر بیندازند. تا زمانی که واشینگتن طرز فکر «اول اسرائیل» را کنار نگذارد، امریکا و متحدانش با شتاب به سوی یک دوران تاریک پیش می‌روند.

مجموع این مواضع، دو محور مشخص را در بر دارد؛ یکی تأکید بر پذیرش شروط ایران برای پایان دادن به تقابل و دیگر هشدار درباره پیامدهای همراهی امریکا با سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه.